

## افغانستان و فرهنگستان

هرگز جای شکی درین نبوده است که ادای درست واژه ها در زبان فارسی دری به دلیل عدم موجودیت کافی و استفاده یی درست حرف های "صدا دار" و به علت ویژگی های الفبایی که خواندن چهارگونه

یی حروف صامت را - ساکن، مفتوح، مکسور و مضموم- یعنی با-

زیر، پیش و بی حرکت - ممکن میسازد، کاری مشکل و تقریباً

ناممکن میباشد. میتواند بر پایه یی همین اصل باشد که بیشتر

فرهنگیان کشور افغانستان بر بنیاد ادای انس و الف لهجوی خویشتن

، شعر سعدی و حافظ شیرازی را دکلمه میکنند و چکامه های بیدل

دهلوی یا نظامی گنجوی را . شاید حتی خواندن درست واژه ها برای عده یی نادرست و نارسا به گوش

برسد. روش درست و گسترده یی برای املا و انشای زبان فارسی دری هنوز وجود ندارد.

درسال ۱۳۶۳ عده یی زیر نام اتحادیه یی نویسندگان "افغانستان انقلابی" پس از تشکیل يك کمیسیون

و جلسه های پیاپی و طولانی سه ساله به باور خویش "روش املا یی زبان دری" را نوشتند .

تا جایی که من اطلاع دارم، علاوه بر شاعر و نویسنده یی گرانمایه ، محترم لطیف ناظمی که خود

این را نبشته اند ، فرهنگیان ارجمند دیگری که اکنون متأسفانه در جمع ما نیستند و روح شان شاد بادا،

نیز با بعضی نکته های این دفتر موافق نبوده اند .



ناگفته نباید گذاشت که این رساله با تعیین شکل نگاشتن واژه ها و اصطلاحات دخیل اروپایی ،  
تحریر یکی از مشکل های عمده یی اکثر نوجانان ما را تا جایی ساده ساخته است. دست اندر کاران  
کوشیده اند تا درین دستور نامه به عنوان يك مرکز ادبی و فرهنگی هدایات و قواعد صادر گردد و امر  
شده است که ” این رساله .... باید برای شاگردان، معلمان، نویسندگان و ژورنالستهای افغانستان و  
منطقه سرمشق قرار گیرد.“

قابل یادآوری است که فرهیخته یی عزیز کشور، شادروان عبدالاحمد جاوید به سال ۱۳۳۰ یک جزوه  
درسی بنام ” بحث انتقادی بر املا و انشای فارسی“ تدوین نموده و گروهی از استادان دانشکده یی  
ادبیات و دانشمندان وزارت تعلیم و تربیه افغانستان يك دهه بعد به سال ۱۳۴۰ رساله یی را زیر  
عنوان ” يك روش جدید در املا یی فارسی“ فراهم آورده بودند. ۱ آری، در آن زمان هنوز واژه زبان  
دری ” زیاد مروج نبوده و در مکتب های میهن ما هم قرائت فارسی برای صنف اول و دوم و سوم  
و... درس داده میشده است!!!“

شاید از پی آمد های همین جزوه بود که عده یی نوشته ها را به ”خوانش“ گرفتند که نمیدانم این واژه  
را از کدام فرهنگنامه یا جوج و مأجوج بیرون کشیده اند، چون در دستور زبان فارسی آمده است که  
” اسم مصدر قیاسی نیست نمیتوان از همه یی مصدر ها اسم مصدر ساخت و مثلاً از مصدر خواندن  
خوانش درست کرد ” ۲ و فرهنگیانی تاریخ ” زبان و ادبیات دری“ را نوشتند. کسی نمیداند ، کدام ادبیات  
منظور است و یا نباید باشد، چون شعر حافظ شیراز به زبان دری میباشد و چکامه های میرزا غالب  
دهلوی نیز به همان گونه که سعدی به لسان فارسی چامه سروده است و خلیل الله خلیلی هم و  
اگر از نسل معاصر بگویم شاعر پُرکار و جوانمرگ قهار عاصی نیز .

بحث روی چگونگی برخورد به ویژه با دستگاه واژگانی زبان فارسی دری، اما از مدت ها پیش در کشور ایران نیز داغ بوده است. شاد روان ها پرویز نائل خانلری و ملک الشعرا بهار از جمله کسانی بودند که میکوشیدند، نکته های مورد نیاز و دگرگونی زبانی را در حوزه بی فرهنگی مطرح اش، در آن زمان هنوز زبان غالب و گسترده در تاجکستان روسی بشمار میرفت، مورد گفتگو و تبادل افکار قرار بدهند. عده بی دیگری از نویسندگان و ادیبان مرز و بوم ایران امروزی همچون فیروز شیروانلو بدین باور بودند که نیاز ها و دگرگونی های جامعه بی ایران مجال صبر و انتظار تحول در کشور های "پس افتاده" بی همزیان را نمیدهد و از خود و برای خویش واژه ساختند. ۳ البته که همه بی این کلمه ها نتوانستند از سوی مردم و جامعه بی ادبی ایران مورد قبول قرار گیرند .

برای آنکه مرجع معتبر و قابل پذیرش برای حوزه بی گسترده بی زبان فارسی دری وجود داشته باشد، بایستی فرهنگستان زبان فارسی دری ایجاد گردد که در آن دست اندر کاران فرهیخته به ویژه کشور های ایران، افغانستان و تاجکستان، بدون و یا با کمترین سهم سیاست در آن، با پژوهش ها و پی جویی های مداوم، نیاز ها و دگرگونی های لسانی را حلاجی بنمایند و برین مبنا "دستور و قواعد" تعیین کنند. این حقیقت که زبان و ادبیات دست کم یک و نیم هزار ساله بی زبان فارسی دری بر گردن همه نخبگان حوزه فرهنگی خویشتن دارد.

مرز های سیاسی درین خطه بی باستانی بار ها تغییر کرده است و نام های کشور های کنونی بار ها عوض شده اند. این محدوده ها باز هم هرگز توانایی آنرا نخواهند داشت که فرهنگ مشترک این حوزه را زندانی حصار های تنگ و تاریک خویش بنمایند. آری، آخر آنجا "هر کسی پنج روز نوبت اوست". فردوسی طوسی، حافظ شیرازی، سنایی غزنوی، مولوی بلخی، جامی هروی، نظامی گنجوی، رودکی

مرفندی و بیدل دهلوی اما مثل گذشته ها همدل و همزبان همه بی مردم این سرزمین باستانی همچنان  
باقی خواهند ماند. باشد که چنین باشد !

رویکرد ها:

۱- روش املاي زبان دری، نشر کرده بی اتحادیه بی نویسندگان ج.د.ا.، مطبعه بی تعلیم و تربیه،

کابل، ص ۲ و ۱۱، ۱۳۶۳ .

۲ - فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، چاپ ششم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ص ۱۳۶۴،۴۷ .

۳ - گستره و محدوده بی هنر و ادبیات، فیروز شیروانلو ، چاپ اول، انتشارات توس، تهران، ص ۸ ،

۲۵۳۵ .



[admin@vatandar.at](mailto:admin@vatandar.at)

مدیر مسؤل: دیپلوم انجینیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز: انجینیر نجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

به بقیه گزیده های مقالات جیلانی لبیب

<http://www.vatandar.at/index%20labib1>